

- ۱ ● هویت ملی، همبستگی، پیشرفت
- ۲ ● بالاخره محارب کیست؟
- ۳ ● استعمار فکری و مسئله حجاب
- ۴ ● دیکتاتوری آزادی خواهان



هویت ملی همبستگی، پیشرفت

محمد مهدی سعیدی صابر

پس از گذراندن ایام فتنه فرهنگی تربیتی اخیر می‌توان به راحتی به این نتیجه رسید که هر زمان که همبستگی یک ملتی به چشم دشمنان خارجی آن بیاید، به راحتی عقب خواهند نشست و از مواضع سخت خود پا پس خواهند کشید. یکی از مهم‌ترین اهداف دشمن انداختن تزلزل در اکثریت مؤمن ملت شریف ایران بود که با بصیرت و همبستگی مردم این امر خطرناک روی نداد.

یکی از عوامل همبستگی ملت ایران، هویت ملی و تاریخی غنی و قوی‌ای است. یکی از مهم‌ترین اهداف دشمن در فتنه اخیر عفاف و حجاب زنان بود درحالی‌که در تراث تاریخی ایران زمین، چه در قبل از اسلام و چه در پس از ورود آن همیشه حجاب و عفاف یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تأثیرگذار در هویت ملی ما بوده است. شاهد این ماجرا عکس‌های پوشیده زنان در تخت جمشید و

تخم مرغ سعودی در سبد چینی

دیدید چین شما را به عربستان فروخت؟ ما باید دوباره برگردیم سمت کدخدا و برجامش!

اما باید گفت این‌گونه تحلیل‌ها اصلاً صادقانه و از سر دلسوزی نیستند. اینکه چین با عربستان قراردادی امضا کرده است به این معنی نیست که ایران را کنار گذاشته باشد، یا بخواهد ایران را دور بزند. چین که متحد ایدئولوژیک ما نیست، بلکه مثل سایر کشورها دنبال منافع ملی خودش است. در تعاملاتش هزینه فایده می‌کند تا ببیند چه کشوری برایش سود بیشتری دارد که با همان وارد رابطه بشود. کمالینکه ما هم باید همچین رویکردی داشته باشیم و علاوه بر آن هم همه‌ی تخم‌مرغ‌هایمان را هم در یک سبد نچینیم.

در واقع خود ما هم در وقوع این امر مقصریم. اگر به سیاست خارجی دولت قبل نظر کنیم متوجه می‌شویم که کاملاً مخالف نگاه به شرق بود.

به نحوی که ما مدت‌ها اصلاً سفیری در چین

ادامه در صفحه ۳

روز ۱۷ آذر خبر قرارداد چین و عربستان همه‌ی رسانه‌های داخلی و خارجی و خودی و نخودی را پُر کرد. به طوری که برخی‌ها با ماهی گرفتن از این آب گل‌آلود این قرارداد را

شکست بزرگ ایران تلقی کرده و گفتند با این قرارداد مسیر چین از ایران جدا شد، و به عبارتی چین ایران را دور زد.

اما این‌ها همان‌هایی بودند که چند ماه پیش هم وقتی ایران و چین می‌خواستند سند همکاری ۲۵ ساله امضا کنند، داد و فریاد می‌کردند که «آآی» ایران مستعمره چین شد! و از این توافق به مثابه قرارداد ترکمنچای نام می‌بردند. (حال آنکه قرارداد عربستان با چین را یک نقطه‌ی عطف برای عربستان می‌دانند!) حالا هم که فرصت پیدا کرده‌اند می‌گویند دیدید قرارداد با چین سودی برای شما نداشت؟

سرمقاله



عرفان جوادی

در حالیکه تا سال ۱۳۵۷ شمسی، میزان دسترسی به آب آشامیدنی سالم در روستاها، در ایران ۱۲٪ بود، اما پس از انقلاب اسلامی با کوشش نیروهای داخلی، این میزان در سال ۱۴۰۰ شمسی به ۸۲/۵٪ رسیده است. میانگین این شاخص در جهان ۵۳٪ است.

چی بودیم
چی شدیم..



امام روح الله علیه السلام عشق لم یزلی

امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت‌جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده می‌کنند و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شما روبه‌رو می‌شوند و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند، و نه در محضر امام معصوم علیه السلام و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است.

صحیفه امام جلد ۲۱ صفحه ۴۱۰-۴۱۱



بالاخره محارب کیست؟

محمد حسن ابوالحسنی

که بر اساس ماده ۱۴۴ قانون مجازات، در جرائمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود؛ یعنی همین که شخص می‌داند با وقوع این رفتار، امنیت محیط به‌عنوان نتیجه مجرمانه به هم می‌خورد، همین در اثبات قصد نتیجه آن کافی به نظر می‌رسد.

باتوجه به مطالب فوق و برای تمایز دقیق‌تر این جرم، اشکال مختلف محاربه در ماده ۲۷۹ را برمی‌شماریم:

۱. کشیدن سلاح به‌قصد صدمه به جان مردم با علم به ایجاد ناامنی در محیط

۲. کشیدن سلاح به‌قصد بریدن مال مردم با علم به ایجاد ناامنی در محیط

۳. کشیدن سلاح به‌قصد تعرض به ناموس مردم با علم به ایجاد ناامنی در محیط

۴. کشیدن سلاح به‌قصد تعرض به امنیت روانی مردم (ارباب) با علم به ایجاد ناامنی در محیط

همچنین بر اساس بخش دوم ماده ۲۷۹، در صورتی که انگیزه شخصی در کشیدن سلاح وجود داشته باشد و عملش، جنبه عمومی نداشته باشد، نمی‌توان شخص را محارب دانست.

اما اختلاف‌نظرهای موجود در دیدگاه بعضی از حقوق‌دانان، ناشی از آن است که محاربه را تنها لایحه‌افکنی انسان دانسته و سه موضوع دیگر محاربه را که در سال ۱۳۹۲ به آن اضافه شده است را در نظر نمی‌گیرند؛ بنابراین هرچند اختلاف فتاوی و نظر فقها در زمینه محاربه وجود دارد؛ اما در نهایت قانون حاکم است و ماده ۲۷۹ حدود را مشخص کرده است.

در پایان باید این نکته را نیز متذکر شد که دلگه هم محلی برای توجه به حقوق دفاعی متهم و هم محلی برای توجه به امنیت جامعه و نظام است؛ لذا نادیده گرفتن هر یک از این موارد، منجر به نابسامانی‌های حقوقی و امنیتی در جامعه می‌شود و نباید بدون اطلاع از جزئیات هر پرونده‌ای، اظهار نظر حقوقی داشت تا مبادا موجب تضعیف جایگاه دادگاه و امنیت جامعه شود.

این روزها، تحلیل‌های مختلفی از جرایم امنیتی و از جمله آن، جرم محاربه و مجازات اعدام، به گوش می‌رسد؛ تحلیل‌هایی که گاه ناشی از اختلاف دیدگاه و گاه از شیطنتهای رسانه‌ای نشأت می‌گیرد. با این اوصاف در این یادداشت، سعی خواهیم کرد تحلیلی حقوقی و جامع از جرم محاربه و شرایط آن داشته باشیم.

طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، محاربه عبارت از کشیدن سلاح به‌قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.

در ابتدا برای تحلیل هر جرمی لازم است عناصر مادی و روانی آن مورد بررسی قرار بگیرد. در باب عنصر مادی، فعل مجرمانه عبارت است از کشیدن سلاح، (که در فقه از آن با عنوان تجرید السلاح یاد می‌کنند) و موضوع مجرمانه نیز عبارت است از جان، مال، ناموس و امنیت روانی مردم.

در قانون قبلی تنها ارباب مردم مورد استفاده قرار گرفته بود لکن در سال ۱۳۹۲، سه موضوع جان، مال و ناموس نیز به ماده اضافه شد و به‌عبارت‌دیگر، مفهوم محاربه توسعه پیدا کرد. همچنین در خصوص نتیجه مجرمانه در ماده آمده است «به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد»؛ پس محاربه از جرایم مقید به نتیجه است و نتیجه مجرمانه باید منوط به رفتار مجرمانه باشد و تا ناامنی در محیط رخ نداده است، فرد نمی‌تواند محارب شناخته شود.

در خصوص عنصر معنوی و روانی، علم به موضوع یکی از مهم‌ترین بخش‌های عنصر روانی است. دو مؤلفه مهم از عنصر روانی جرم عبارت است از سوءنیت عام (عمد در رفتار مجرمانه) و سوءنیت خاص (قصد وقوع نتیجه مجرمانه)؛ بنابراین تا زمانی که محرز نشود که شخص قصد وقوع نتیجه (ناامنی) را نداشته است، نمی‌توان شخص را محارب دانست. از آنجایی که محاربه، جرم مقید به نتیجه بوده است، بنا بر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، قصد وقوع نتیجه نیز باید احراز شود.

در کنار مطالب فوق توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است

آثار ایرانی اسلامی در نقطه نقطه کشور است. این شواهد نشان از قدمت این میراث بزرگ می‌باشد. نظم و قانون‌مداری دیگر میراث ایرانیان در هویت ملی‌شان، بوده است. چیزی که امروز فشار تهاجم فرهنگ پرتلاطم غربی سعی در کم‌رنگ کردن آن دارد. نظم و قانون‌پذیری ایرانیان همیشه زبان زد خاص و عام بوده است، از سپاه جاویدان هخامنشیان تا قانون‌پذیری بی‌نظیر ایرانیان در دوره سامانیان تنها گوشه‌ای از سابقه تاریخی ما در این زمینه است.

عنصر مهم دیگر در ایجاد همبستگی، فداکاری ایرانیان است که برای جهانیان از استراتژیک‌ترین نقاطی بوده است که باعث شده سرنوشت جنگ ایران را نه تعداد و سازو برگ جنگی؛ بلکه این روحیه فداکاری تعیین کند. در تاریخ و فرهنگ ایران شما چه در کنار آریوبرزن باشی و چه در دفاع مقدس همراه با چمران‌ها و باکری‌ها و باقری‌ها باشی عنصر فداکاری در روح شما وجود دارد.

همه‌ی این عناصر ملی یاد شده و بیش از آنها در هویت ملی مردم ایران بود که یک همبستگی ناگسستنی را ایجاد کرد. تکیه بر این نکات مهم در هویت ملی است که ایران را در برابر فتنه‌های آخرالزمان ایمن می‌کند.





استعمار فکری و مسئله حجاب

محمدحسین دلدار

یکی از مظاهر استعمار در قرن جدید، ایجاد وابستگی فکری و اندیشه‌ای است که در اثر جریان رسانه‌ای و علمی ایجاد می‌شود که از مظاهر آن نشان دادن تصویر سیاه و تیره از وضعیت ایران و منطقه و درمیان حال نشان دادن وضعیت سفید از کشورهای غربی به خصوص آمریکا و غرب است. این دیدگاه وقتی در سطح ذهن و اندیشه یک انسان رسوخ می‌کند، باعث می‌شود به توانمندی‌ها و استعدادها کشور جوانان و هم‌وطنان خود بی‌توجه و بی‌گانه باشد و تمام توجهش به تولیدات غربی، از تکنولوژی گرفته تا نظریات مختلف در تمامی علوم به‌ویژه علوم انسانی باشد.

این چنین می‌شود که یک فرد مسخ شده و با عملکردی بدون خشونت و به اصطلاح نرم یک سرریز، یک عامل یا یا به عبارت دقیق‌تر یک مزدور آمریکا و غرب در کشور ایجاد شده و این فرد در هر جایگاهی که باشد تمام تلاش خود را برای غربی کردن اجتماع و جامعه می‌کند و برای پیشرفت به‌جایی که از علم و فناوری استفاده کند، به دنبال جنبه‌های ظاهری زندگی غربی است و تلقی‌اش از آزادی و پیشرفت بی‌حجابی و بی‌پندوباری است و چون زندگی خود و جامعه را سراسر سیاه می‌بیند جمهوری اسلامی ایران را هم نفی می‌کند و می‌اندیشد که با زدودن اسلام از جمهوری می‌تواند به پیشرفت برسد! این در حالی است که جنبه‌های انحطاط بشریت و خانواده و از بین رفتن معنویت در جهان غرب به‌وضوح خود را نمایان کرده و این آزادی غربی باعث استعمار مرد و زن شده و به‌نوعی تقلیل انسان الهی به سمت انسانی با خوی حیوانی شده است.

البته این دست اتفاق‌ها ریشه در تاریخ روشنفکران این سرزمین دارند، روزگاری که امثال تقی‌زاده با اتکا به یک رژیم دست‌نشانده انگلیسی و کودتای ۳ اسفند رضا قلدر بیان می‌کردند «ایرانی باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود و بس» و با هر ابزاری به زدودن دین و حجاب از جامعه پرداختند، آنچه آن‌ها می‌پنداشتند این بود که نهاد دین باعث عقب‌افتادگی جامعه است؟! حال آنکه با چه دلیل و استنادی این ادعا را مطرح می‌کردند، سوالی است که امثال تقی‌زاده‌ها در عصر مدرن لازم است به آن بپردازند که حکومت‌هایی که مسلمانان به راه انداختند (البته این حکومت‌ها اسلامی نبودند؛ بلکه عموماً زمامداران مسلمان داشتند) چندین قرن سرآمد علم و تمدن بشریت بوده است

و در قرون بعدی با ایجاد یکسری اتفاقات در منطقه آسیا و جریان استعمار وحشی غربی این پیشرفت رو به افول رفت، از کجای دین ناکارآمدی دیدید که خواستید آن را از بین ببرید و از کجا فهمیدید با از بین رفتن اعتقادات دینی و زدودن دین از جامعه (سکولاریسم) می‌توان به پیشرفت رسید؟!

در حال حاضر در جهانی زندگی می‌کنیم که انبوهی از کتاب‌ها، مجلات و رسانه‌ها وجود دارد و هرگونه اطلاعات با یک جستجوی ساده در اختیار همگان است، اما همان تقی‌زاده‌ها در این عصر وجود دارند، چه با ژست روشنفکری می‌نگازند و سخن می‌رانند و چه با خشونتی رضا قلدری دست به آشوب و کشتار و ترور می‌زنند درحالی که در طول ۴۴ سال که انقلاب اسلامی مردم ایران بر آن دوران سیاه تاریک پهلوی پیروز شد و نور امید برای تمامی آزادی خواهان جهان دوباره فروغی تازه گرفت، آیا مگر زنان و دختران ایران زمین در هر عرصه‌ای که می‌خواهند نمی‌توانند پیشرفت کنند؟ مگر دختران و زنان ایرانی با حجاب در مسابقات ورزشی و علمی دنیا دارای عنوان و مدال‌های جهانی نیستند؟ آیا زنان و دختران ایرانی در دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف مشغول به تحصیل نیستند؟ و آیا در جامعه در پست‌های مختلف علمی و اجرایی مشغول به کار و ارائه خدمت نمی‌باشند؟ آیا جمهوری اسلامی سبب این همه پیشرفت نبوده است؟ آیا حجاب مانعی شده برای رشد و پیشرفت بانوان محترم سرزمینمان؟

کافی است نگاهی اجمالی به آمارهای مختلف بیندازیم، فاجعه‌بار بودن میزان خودکشی زنان نسبت به مردان در کشورهای غربی، گزارش سازمان ملل متحد درباره زنان سرپرست خانوار در غرب و خشونت جنسی علیه زنان در غرب و... باعث می‌شود ما به ارزش زن در غرب پی ببریم، چیزهایی که هیچ‌گاه سخنی از آن به میان نمی‌آید و در عوض بی‌حجابی و عربانی نماد زندگی آزاد و مطلوب مطرح می‌شود. این پدیده استعماری تنها از طریق آگاهی قابل مقابله است، آگاهی یافتن از شرکدهای تبلیغاتی و جنگ رسانه‌ای غرب علیه ملت‌های مسلمان و به‌خصوص مردم جمهوری اسلامی ایران. مرد و زن مسلمان ایرانی در وهله اول باید خود را بشناسد، جایگاه خود را بفهمد تا بتواند حربه‌های دشمن علیه خود را تشخیص دهد. امروز ارزش فهم جایگاه انسان در جهان و تشخیص راه درست از نادرست برای رسیدن به سعادت بسیار ضروری است، باید بشناسیم تا بتوانیم بشناسانیم.

ادامه از صفحه ۱
 نداشتیم! چین هم کنش ایران را به معنای تمایل به غرب تفسیر می‌کرد و نتیجه می‌گرفت که ایران چندان رغبتی به تعامل با شرق ندارد. دولت فعلی هم علی‌رغم فعالیت‌های مثبتی که در دیدار با سران چینی داشت که یکی از نتایج آن عضویت در سازمان شانگهای بود، آن‌طور که باید و شاید سودی از این روابط به دست نیاورد. بسیاری از بندهای سند همکاری با چین هنوز معطل مانده و تأثیری از این قرارداد بلندمدت در فضای حقیقی و مجازی بروز نیافته است. اغتشاشات ماه‌های اخیر در ایران هم مانند هیزومی که بر آتش این وضعیت بود، به‌طوری‌که اغتشاشگران با ایجاد خسارت برای دولت و ایجاد ناامنی، درست زمانی که ایران به ثبات و آرامش برای بهبود وضعیت اقتصادی نیاز دارد، فضای عمومی کشور را آشفته مخابره کردند تا کشورهایی نظیر چین با ما تعامل نکنند؛ لذا تصویری که چینی‌ها از ما پیدا کردند تصویر یک شریک متزلزل غیرقابل اعتماد بود.

البته ناگفته نماند که ذکر این مباحث به معنی اهمیت نداشتن موضوع ادعاهای واهی و نامربوط آنان در مورد جزایر ۳ گانه جمهوری اسلامی نیست. چراکه اتفاقاً این موضوع یک امر حیثیتی بوده و به‌نوعی دخالت در تمامیت ارضی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. ایران سر تمامیت ارضی‌اش با کسی شوخی ندارد؛ لذا اتفاقاً خواستار پیگیری این موضوع توسط مسئولین ذی‌ربط هستیم. اما نکته اینجاست که بعضی افراد بدون فهم نظام بین‌الملل تحلیل‌های ناپخته و نسنجیده‌شان را از روی جهل و یا عمد به خورد مردم می‌دهند. این در حالی است که ما هم در حوزه انرژی و هم در حوزه دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا می‌توانیم روابط خود را با چین بیشتر و بهتر کنیم. کمالاتی که معاون نخست‌وزیر چین نیز در دیداری که با رئیس‌جمهور کشورمان داشته به همین موضوع اشاره کرده است. منطق روابط بین‌الملل می‌گوید: «با قدرت تصمیم‌گیری کنید، همه‌ی منافع خود را به یک نقطه گره نزنید و از ظرفیت‌های داخلی و خارجی غافل نشوید.»

از گذشته برای امروز

توصیه‌ام به خواهران حزب الله این است که حجاب اسلامی را حتماً رعایت کنند، چون زینت زن به حجاب اوست و رعایت نکردن حجاب پایمال کردن خون شهیدان است. از خواهرانم می‌خواهم که زینت وار عمل کنند و با حجاب اسلامی در جامعه رفت و آمد کنند و الگوی زنان دیگر باشند.

شهید سعید شاورى



دیکتاتوری آزادی خواهان

محمدامین احمدی

نموده‌اند. شاهد این امر هم توجه به جریان عادی زندگی در بازارها است. مردم به خوبی خواسته اصلی این جریان را دریافته‌اند و خود را از این جریان جدا کرده‌اند. علت هم واضح است وقتی مطالبات، مطالبه مردم نباشد، و وسیله رسیدن به این مطالبه، خسارت‌های جانی و مالی به مردم و بازاری بینوا باشد پرواضح است که این گونه مفتضح می‌شوی. البته این همه موید نفی مسائل و مشکلات نیست که غرض ما نفی و یا پاک کردن این مشکلات نیست. اما این جریان به قدری ماهیت کثیف و خواسته‌های پلید خود را در تریبون‌ها فریاد کرده‌اند که مردم به سهولت تفاوت آن را با مطالبات خود یافته‌اند و صف خود را از ایشان جدا کرده‌اند که این واقعه بی‌تردید این هم از الطاف خفیه الهی است. شعار آزادی با اجبار کردن عده‌ای به اعتصاب، با قتل و آشوب، با هوجبگری و ساختارشکنی در تناقض است و افرادی که ادعای این امر را دارند یا آزادی را نمی‌فهمند و یا هدفشان از این شعار رسیدن به چیز دیگر است.

تا هدف من حاصل شود. آزادی که می‌گویند من صراحتاً دعوت به اغتشاش کنم و تو حتی به قدر یک پلمب کردن هم با من کاری نداشته باش. یعنی من از امنیت این نظام استفاده کنم و امنیت آن را بر هم بزنم و تو هم که اصلاً چه معنی دارد که بخواهی کاری کنی. این تعریف آزادی افرادی است که در اغتشاشات اخیر سعی در آسیب به کشور دارند. به نظر می‌رسد، اغتشاشگران از گزاره (ما خیلی زیادیم رسانه‌ای) وارد گزاره ما خیلی زیادیم زورکی شده‌اند. برای این عده مهم، زیاد دیده شدن به هر وسیله ممکن است؛ البته باید گفت که در زیاد دیده شدن و همراه کردن مردم موفق

این ترکیب متناقض و مضمضکننده‌ای است که چکیده و خلاصه وقایع اخیر است. صحبت از آزادی است که جز از مسیر تهدید به قتل بقال بینوایی که تصمیم گرفته به شخصی چند شکلات بدهد نمی‌گذرد. همین قدر زشت و گریه. آزادی که می‌گویند برای تأمین خواسته من، کامیون‌داران همگی باید اعتصاب کنند و الا کامیون و صاحب آن تاوانش را به اشکالی که در روزهای گذشته دیدیم باید پس بدهند. آزادی که جز با تهدید به آتش زدن مغازه‌ها برای #اعتصابات زورکی سراسری حاصل نمی‌شود. آزادی که می‌گویند تو باید از جان و مال و دخل روزانه مغازه‌ات بگذری

عکس هایی که حرف میزنند

